

معانی پنهان شده در پس چهار پرسش رایج که، در مصاحبه ها می پرسند



منبع: Entrepreneur / کارشناس ارشد مدیریت اجرایی مترجم: علی فتاحی

" این سوالات متداول با اینکه کلیشه‌ای هم به نظر می‌رسند ولی گزینش‌گرها همواره آنها را می‌پرسند."

فکر کردن به سوالات مصاحبه سبب تغییر دیدگاه درباره آنها می‌شود، سوال‌هایی از قبیل: "جایگاه خودتان را در ۵ سال آینده کجا می‌بینید؟"، "بزرگترین ضعف شما چیست؟" وقتی شما در حال آماده‌سازی برای انجام مصاحبه شغلی هستید، واقعا سخت به نظر می‌رسد که در پاسخ دادن به این سوال پیش پا افتاده، از دادن جواب‌های مضحک اجتناب کنید. اما یک راه‌حل ساده این است که بدانید مدیران استخدام و گزینش‌گرها واقعا با پرسیدن این سوالات در وهله اول، به دنبال فهمیدن چه چیزی هستند. سازمان چابک متخصصانی برای این کار می‌گمارد تا این مهم را بفهمد.

"مختصری از خودتان برای من بگویید"

معنای پنهان: " با پرسیدن این سوال ساده، به شما فرصت می‌دهم که راحت باشید "

مت هوگس، از با تجربه‌های گزینش شغلی یک توصیه ساده برای این مورد دارد: " فراموش نکنید، این سوال برای آب کردن یخ دو طرف است. " او می‌گوید: " یک مسئول استخدام، گاهی اوقات در صدد این است که چگونه یک جوینده شغل را به سمت موفقیت

سوق دهد و به کار بگیرد، تا متقاضی جزئی از رسالت سازمان شود، "اما همیشه هم این سوال را با هدف نمی پرسند. همان طور که معاون پژوهشی مرکز اکتشافات جهانی تجربی شرکت لینکداین، تاکید دارد، این سوال بهترین عنصر برای گرم کردن مصاحبه است.

" ایجاد کردن حس راحتی در افراد، کلید کار ماست " براون می گوید، متوجه باشید "سازمان هایی که به دنبال خلق یک مصاحبه تحت فشار یا استفاده از سبک پرسش های تنش زا هستند، هیچ گاه به درک درستی از مهارت ها و خلق و خوی متقاضی نمی رسند. زیرک باشید چرا که کارفرمایان سعی می کنند تا متقاضیان کار را در موقعیت راحت قرار دهند. پس، بهترین داستان خود را نگه دارید برای روز مبدا که در مصاحبه لازم می شود. این سوال فقط برای خوش جلوه دادن است.

"چه چیزی شما را به سمت این موقعیت شغلی کشاند؟"

معنای پنهان: "آیا واقعا می دانید، این شغل شامل چه چیزهایی است؟ و واقعا می خواهید آن را انجام دهید؟"

جوی سولارزانو، مدیر بخش منابع انسانی طرح های تبلیغاتی درون فروشگاه می گوید: "اغلب افراد می گویند: خب، من در قسمت توضیحات شغلی، کارهای فهرست شده را دیده ام و واقعا همان کاری است که الان در حال انجامش هستم، سپس این گونه مصاحبه را ادامه می دهند که چه مقدار از موقعیت شغلی قبلیشان متنفرند و می خواهند کار دیگری انجام دهند. " بنابراین او این سوال را می پرسد تا مطمئن شود که متقاضی شغل، به همان اندازه که شرکت می خواهد، مشتاق انجام آن کار هست یا خیر.

سولورزانو اضافه می کند که "من همچنین می خواهم اطمینان یابم که متقاضی، به دنبال تمام جنبه های شغل است، نه اینکه فقط به یک بخش از کار علاقه مند باشد." بگویند که شغل مثل اجزا تولید ویدئو است که بزرگترین نقش، متمرکز بر نوشتن می شود. بهتر است جنبه های پنهان کار دیده شود. براون می گوید: "این سوال یک پرسش قوی درباره انگیزش است." اگر کسی در جواب بگوید، "ببین، من می توانم برای شرکت های دیگری کار کنم و یا شغل دیگری داشته باشم، اما این شرکت جایی است که فکر می کنم می توانم بهترین نقش را ایفا کنم"، نشانه خوبی از این است که فرد به کل شغل توجه کرده است.

هوگس می گوید: "بدترین نوع جواب دادن به این سوال، پاسخ دادن به صورت سرسری و سرخوشانه است." مدیر استخدام می خواهد چیزهای به خصوص بشنود: اینکه چه چیزهایی راجع به شغل به آنها می گویند؟ و اینکه چرا متقاضی می خواهد جزئی از کاری بشود که ما انجام می دهیم؟"

"در پنج سال آینده خودتان را کجا می بینید؟"

"معنی پنهان: آرزوهای شغلی شما چیست و تا چه حد به موقعیت نزدیک اند؟"

این سوال، آشناترین پرسشی است که متقاضیان در مصاحبه با آن روبه رو می شوند، خب واقعا راه های خوبی برای جواب دادن به آن هست، به شرطی که بدانید مدیر استخدام یا گزینش گر به دنبال چه جواب هایی هستند.

براون می گوید: گرچه مضحک به نظر می رسد اما ذات سوال فوق نیکو است و نوید این را می دهد که شخص در حال ورود به شرکت است. براون معتقد است که این سوال را این گونه ببینید: می خواهید با زندگیتان چه کار کنید؟ کمتر بر پنج سال آینده تمرکز کرده و بیشتر به ذات سوال دقت کنید. به عنوان یک مدیر، اگر شخصی خودش را صاف و صادق نشان دهد، این برای من سودمندتر است و

به خودشان هم کمک می‌کند. سپس در حوزه تخصصی‌ام دست به کار می‌شوم، به عنوان مثال: با ارائه طرح‌های گزارش مستقیم و فرصت‌هایی که با اهداف بلندمدت و اشتیاق آنها همسان است.

اما سولورزانو این مساله را متفاوت می‌بیند. او معتقد است در ابتدا، من می‌خواهم بسنجم آیا انتظارات معقولی دارند؟ اگر آنها از سطح مبتدی شروع به کار می‌کنند و می‌خواهند در پنج سال تا معاونت پژوهشی برسند، به طور باورنکردنی زیاده‌روی کرده‌اند یا، این به آن معنی است که انتظارات واقعی ندارند. ما باید مقداری بیشتر در این باره بدانیم.

هوگس می‌گوید: "مسیر استخدام شدن با سکوت طی نمی‌شود." این سوال کمک می‌کند که گفت‌وگو حول محور انگیزه‌های متقاضی بگردد که همین انگیزه‌ها بعدها در طرح‌های شغلی فردی ترکیب می‌شوند. مانند براون، هوگس هم معتقد است این نوع سوالات، متقاضی را به سمت چیزهای خاص سوق می‌دهد. "اگر متقاضی در مصاحبه، برای صحبت راجع به این موضوع آمادگی نداشت قطعا هیچ علاقه‌ای برای پیشرفت حرفه‌ای ندارد. در حقیقت این نوع از گفت‌وگوها به متقاضی این فرصت طلایی را می‌دهد تا درباره شانس‌های پیشرفت شغلی بیشتر بداند.

"می‌توانید درباره یکی از آخرین شکست‌هایتان به من بگویید؟"

معنای پنهان: "چقدر راستگو و خودآگاه هستید؟"

سولارزانو می‌گوید: "من به دنبال این هستم که درباره نگرش و نظم ذهنی متقاضی، بیشتر بدانم. از شکست چه درس‌هایی گرفتی؟ آیا آن شکست دوباره برایتان اتفاق افتاد؟ اگر می‌توانستید به عقب برگردید و چیزی را تغییر دهید، چه کار می‌کردید؟" وی ترجیح می‌دهد که تجربیات دست اول را بشنود، البته، وقتی متقاضی برای رسیدن به یکی از تجربیاتش تلاش می‌کند، سولارزانو می‌گوید: "من همیشه به آنها فرصت فکرکردن می‌دهم." اگر نمی‌توانید درباره شغل خود چیزی بگویید، درباره مدرسه چطور؟ ورزش؟ هر چیزی که به ذهنتان می‌رسد؟ اگر واقعا آماده باشند، قادرند چیزی بگویند. اگر چیز شخصی برای گفتن نداشتند، حداقل شما ممکن است درباره مهارت رفع مشکلاتشان چیزی بشنوید.

اما سوال "شکست" برای براون به معنای وادار کردن به صحبت یا داستان سرایی نیست، بلکه اعلان جنگ است. یکی از متقاضیان تیم او اخیرا مصاحبه‌ای داشت که عملا مجبور شد به چندین سال قبل برگردد تا تجربه‌ای از شکست‌هایش بیابد. همین باعث شد تا وی به فکر فرو رود که: "چرا آن‌طور شد؟" ما با متقاضی این روند را دنبال کردیم و گفتیم، صادقانه‌تر این است که وقتی از شما سوال شد، می‌توانید به سال‌های قبل‌تر هم برگردید و بیشتر درباره آن به ما بگویید.

درک این که یک متقاضی شغل، چطور شکست خود را بازگو می‌کند، به مسئولان ارزیابی شغلی کمک می‌کند تا بفهمند متقاضیان چقدر خود گشوده، صادق و خودآگاه هستند. براون در آخر اضافه می‌کند که: یک چیز حتمی است، برای هرکسی که قصد استخدام دارد، همه چیز پیچیده است.